



یادداشت

باز هم تکرار اشتباه

تلویزیون دست‌بردار نیست

باز هم سیمای کشور کاری کرد که اگر از یک جوان با احساسات بالا و تجربه بسیار اندک سر می‌زد خیلی به او ایراد وارد نبود. هر چند اشتباه، اشتباه است و در هر رده و از سوی هر کسی روی بدهد مورد تقبیح است. ما هر روز از شبکه‌های مختلف تلویزیونی شاهد هزاران آرم و لوگو و نماد هستیم که شاید خیلی از آنها مورد وثوق ما و مردم نباشد. اصلا شاید با منافع ملی و دینی ما هم مغایرت داشته باشد. ولی در مورد اینکه روی هیچ‌کدام از آنها مارک و محومنی شود و تنها برخی از آنها زیر تیغ سانسور می‌رود سوال وجود دارد. فیلمسازهای ما هر روز از گذشته تاریخ این کشور فیلم می‌سازند و طراحی صحنه‌ها و آکسسوار آنها مزین شده به قاب عکس آدم‌های معلوم الحال گذشته و منتاقض با شئون دینی و مذهبی و حتی سیاسی. یکی از آنها شاید پرچم‌های کشورها و نمادهای منسوخ شده و آرم‌های طاغوتی است که همواره در مستندها و سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌بینیم. مردم بدون سانسور و بدون تغییر محتوا که قصد فقط باوراندن واقعیت‌های روز به مردم را دارد. چند هفته پیش و در خلال پخش بازی‌های لیگ قهرمانان اروپا تلویزیون آرم یک باشگاه ایتالیایی را که مربوط به یک گروه در حال شپردان به توله‌هایش بود محو کرد تا همه متوجه این موضوع شوند که تلویزیون حساسیت‌هایی دارد که واقعا هیچ منطقی پشت آن نیست و اگر هم منطقی وجود دارد با این روش تنها به تحریک بینندگان می‌پردازد که نتیجه‌ای جز بدبینی ندارد. معلوم نیست محو کردن شیر دادن یک حیوان به توله‌هایش که آرم و لوگوی یک باشگاه خارجی بوده سال سابقه است یا کدام منظور صورت می‌گیرد و اگر این کار انجام نمی‌شود چه بد اخلاقی‌هایی صورت می‌گرفت که با این کار از آن جلوگیری شد؟ قطع یقین خود مسئولان تلویزیون هم می‌دانند که این کار کنج‌کاو بیشتر مردم را به همراه داشت و بدبینی آنان را به تلویزیون.

این حرکت البته آخرین اقدام تلویزیون نبود و روز پیش هم آرم پیراهن بازیکن سال‌های دور فوتبال کشورمان حسن روشن محو شد. این در حالی است که همین آرم بارها از طریق فیلم‌های مستند و داستانی عرضه شده و ایرادی هم نداشته است.

حسن روشن بازیکن تیم ملی ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین و یکی از گلزنان برتر تیم ملی بود که به‌عنوان پیشکسوت و بازیکن سابق تیم ملی در برنامه تلویزیونی شرکت کرده بود و به هنگام پخش صحنه‌ای از تصاویر او با پیراهن باشگاهی، آرم باشگاه تاج از روی پیراهنش محو شده بود.

تیم ملی

کی روش مقصران حذف از تیم ملی را به خط کرد!

کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی روز گذشته در کمپ تمرینی تیم ملی در روسیه، حرف‌هایی بر زبان آورد که نشان می‌دهد از حالا دنبال انداختن تقصیر شکست‌های تیم ملی در مسابقات بر گردن دیگران است. بخشی از این صحبت‌ها را می‌خوانیم و یادمان می‌ماند که مرد پرتغالی از امروز مقصران حذف تیم ملی جام جهانی را انتخاب کرده است!

* همیشه انتقادهایی که همراه با احترام است روی خوشی نشان می‌دهیم چون فوتبال مسابقه‌ای است که هرگز نمی‌توانید خود را به دور از نظرات دیگران قرار بدهید، اما وقتی بعضی از این انتقادها مکرر می‌شود و در بردارنده منافع آدم‌های خاصی است و باشگاه‌های خاص از جاهای مشخص شده بیرون می‌آید، برای ما قابل قبول نیست. این چیزی است که در ایران اتفاق می‌افتد و البته علیه تیم و بعضی از بازیکنان است. من هرگز به این انتقادها توجه نمی‌کنم.

* اگر صادق باشیم فکر نمی‌کنم تقصیر عدم برنامه‌ریزی اختصاصی برای تیم ملی که می‌خواست در جام جهانی شرکت کند، بر گردن فدراسیون باشد. به‌نظر من این اشتباه ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری جمعی در ایران بود. از رسانه‌ها آغاز شد با باشگاه رسید و دیدگاه غلط هواداران را شکل داد و همه اینها به اضافه من باعث چنین تصمیماتی شد. مطمئنا وزارت ورزش این دست‌بالا را دارد که بتواند باشگاه‌ها را ملزم به آماده‌سازی برنامه تیم ملی کند اما مسئولیتش با همه ما بوده و هست. اما به‌نظر من در یک سال گذشته این هدف غایی فوتبال ایران که آماده‌سازی و ریزه‌بری حضور در جام جهانی بود قرار نگرفت. این مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها هم بود. شما به من این اجازه را دادید یک سری منافع خودخواهانه به برنامه آماده‌سازی تیم ملی لطمه بزنند. شما در رسانه‌ها، هواداران فوتبال ایران، باشگاه‌ها، مدیران فدراسیون و وزیر ورزش، هدف اصلی فوتبال ایران را لیگ قهرمانان آسیا قرار دادید. این انتخاب از بین دو گزینه بود، جام جهانی یا لیگ قهرمانان آسیا. الان دیگر با این تصمیم کاری نمی‌شود کرد و باید از پذیرفت، اما من در یک سال گذشته این تورنمنت که لحظه‌خاص خاص برای ایران است. بعد از قرعه‌کشی سعی کردم به همه اطلاع بدهم که حضور در گروهی که در آن قرار گرفته‌ایم نیازمند یک برنامه آماده‌سازی خاص است، اما شما لیگ قهرمانان آسیا را انتخاب کردید. باید این موضوع را بپذیرید و با آن کنار بیایید. همه شما؛ باشگاه‌ها، رسانه‌ها، فدراسیون، وزارت ورزش و... اما این نظر من نبود. البته من احترام می‌گذارم و سووتفاهم نشود اما موافق این اتفاق نبوده و نیستم.

* موضوع کفش و تحریم نایک تنها موضوع ما نیست، مساله اصلی مشکلات دیگری است که در راه آماده‌سازی ما قرار گرفت؛ مسائلی که در چیدمان بازی‌ها، رزرو کردن هتل‌ها، انتخاب کت‌ها و... به وجود آمد و ما را آزار داد. ولی شما در رسانه شاید این اجازه اخلاقی را نداشته باشید که از نایکی انتقاد کنید چون وقتی زمان آماده‌سازی تیم ملی بود به تیم ملی جام جهانی با پتانسیل خوشحال کردن ۸۰ میلیون و لیگ قهرمانان که هیچ‌کس نمی‌تواند قهرمان آخرین دوره‌اش کیست دومی را انتخاب کردید، با این کنار بیایید.

* اگر بخوایم بهترین عملکردمان را به نمایش بگذاریم پیش شرطی به نام بهترین آماده‌سازی وجود دارد. چندروزی باقی مانده بیاید تمرکزمان را روی آماده‌سازی بگذاریم ولی نمی‌توانیم چشمان را بر افرادی ببندیم که در یک سال گذشته ذهن‌شان را باز نکردند که در برنامه آماده‌سازی تیم ملی کمی به ما باشند. خیلی شفاف با گویم آنهایی که دهان‌شان را باز کردند تا نظرات متفاوت‌شان را بیان کنند، آن احساس مسئولیت‌پذیری را به نمایش نگذاشتند، اما وقتی همین افراد صورت‌شان را پشت برخی رنگ‌ها پنهان می‌کنند، همه از آنها خواهند ترسید نه فقط من.



بورس فوتبال ایران قرار دهد. البته شاید این توانایی در لیگ فصل بعد ایران آنچنان برجسته نباشد و تیم هم مثل خیلی از بازیکنان خارجی دیگر دوباره سیر نزولی خود را طی کند. مثل منشای پرسپولیس که در پیکان عالی بود، در پرسپولیس و طی گذشت یک سال تبدیل به یک بازیکن معمولی شد و برانکو و هواداران را ناامید کرد. یک سوال هم از مدیرعامل باشگاه استقلال باید پرسید. جناب افتخاری! آیا مامه تیم اینقدر ارزش داشت که برای مذاکره مجدد با او مدیر برنامه تحت تعقیبش اعتبار ۷۰ ساله باشگاه را برایش هزینه کنی و به یک کشور بیگانه بروی که هیچ‌کس حتی خود تیم هم در جلسه حاضر نشوند و دست از پا درازتر بگری؟

اینها همه تضاد مدیریتی است که می‌تواند در اثر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی خشم هواداران را در پی داشته باشد. موضع فنی را باید مدیران فنی بگیرند و آنها هستند که باید پیگیر چنین مسائلی باشند. آیا قبل از رفتن به ترکیه و مایوس شدن از مذاکره با تیم و مدیر برنامه‌هایش عواقب کار را سنجیده بودید؟

به قول یکی از مدیران و پیشکسوتان استقلالی؛ «این تصمیم که مدیرعامل و معاون ورزشی یک باشگاه برای عقد قرارداد با یک بازیکن راهی کشور ثالث شوند و بازیکن هم در جلسه حضور نداشته باشد فقط باعث می‌شود که ارزش و جایگاه استقلال کم شود.

باشگاه استقلال بیش از ۷۰ سال قدمت دارد و بهترین باشگاه ایرانی در آسیا است، اما وقتی توفیقی و افتخاری برای مذاکره با بازیکنی که به قول خودشان آنها را هم سر کار گذاشته‌اند، ترکیه می‌شوند، کار درستی نیست و این موضوع نشان می‌دهد که آقایان به‌طور آماتور در حال حرکت هستند و دستوری عمل می‌کنند.»

بازگشت تراکتور به جمع مدعیان

... و اینک توشاک!

۱. تصویر آخر شبی بین نزوی مالک جدید باشگاه تراکتورسازی و جان توشاک سرمربی اسبق ژانل مادرید، غافلگیر کننده بود. توشاک در عکس به‌وضوح خسته، شکسته و پیر به‌نظر می‌رسید، اما شادابی خاصی در چشم‌هایش موج می‌زد که نمی‌توان انکارش کرد. می‌شود این خستگی را به حساب هزار چیز گذاشت. از خستگی پرواز و طی مسیر گرفته تا مذاکرات وقت گیر و سن و سال بالا، اما آن چشم‌های پرانرژی را نمی‌توان از یاد برد. از همه مهم‌تر این‌که نمی‌شود این رفاقتش را فراموش کرد که تراکتورسازی حالا سرمربی بزرگی دارد. خیلی بزرگ‌تر از هر اسم دیگری که روی نیمکت این تیم نشست.

۲. جان توشاک در تبریز چیه؟ آمده تا تیمی را اداره کند مثل تیم‌های آخری آمده تا دوباره مثل وینفرد شفر اوج بگیرد؟ از نظر منطقی، هیچ آدمی در هیچ جایی دنبال شکست نیست. قطعاً توشاک نیامده تا سه‌ماه دیگر به خانه برگردد. قطعاً این نیست. با این همه، باید از او پرسید که تراکتور برای او فرقی با تیم‌های آخرش دارد یا نه؟ آیا این هم قراردادی است مثل قراردادهای دیگر یا فرصتی است برای زنده شدن برند مریبگری مردی که می‌تواند چند سال دیگر به مریبگری خود ادامه دهد؟

۳. تراکتورسازی امسال روایت و حکایت دیگری دارد. برای نخستین بار در تمام این سال‌ها تیم در دستان بخش خصوصی قدرتمند و باتجربه‌ای قرار گرفته است که از فوتبال شناخت دارد. انتقال مالکیت از سپاه به بخش خصوصی بعد از یک فصل نزدیک به سقوط، تجربه جدیدی است که همه را هیجان زده می‌کند. امسال با چه تراکتوری طرفیم؟ سال قبل هم قرار نبود تراکتور تیم دست و پا بسته‌ای باشد اما شد. امسال البته همه منتظر چیزهای دیگری هستیم. مالک خصوصی با تجربه و دست‌باز و اسمی در حد و اندازه‌های جان توشاک، قصه فرق می‌کند. تراکتور همین حالا یکی از تیم‌های مدعی قهرمانی است. دست کم مدعی شگفت‌انگیز بودن و هیجان ساختن. مدعی از قبل بازنده نبودن. یعنی همه چیزهایی که با سلام نبود. توشاک با چه حس و حال خوبی به لیگ ایران اضافه می‌شود و این اتفاق بزرگی است.

۴. اندک‌اندک جمع مستان می‌رسند و این اتفاق بسیار بزرگی است. از جمع مربیان کروات در ایران تنها دو نفر ماندگار شده‌اند. بگوویچ در لیگ یک و برانکو در لیگ برتر. شاید وقتش رسیده از هزینه کردن برای مربیان ارزان دست برداشت. شفر، برانکو و حالا توشاک به لیگ فصل بعد حال خوبی می‌بخشند.

قلعه‌نویی در سپاهان آماده باز پس گرفتن تاج و تختش شده و حالا توشاک می‌تواند خیال ما را از بابت تراکتورسازی راحت کند. اگر چه نباید در بدو ورود انتظارات را از او بالا برد و هواداران تراکتور باید به مرد ولزی فرصتی برای آشنایی با فوتبال ایران و تبریز را بدهند، اما خیال همه او راحت است. مخصوصاً وقتی از ساموئل آتوئو هم به‌عنوان خرید بعدی این تیم نام برده می‌شود. چه روزهای خوبی داشته باشیم با لیگ بعدی.



هومن جعفری روزنامه‌نگار



به بهانه یکی از حرف‌هایی که کی‌روش زد

ماجرای تحریم نایک

بی‌سوادی رسانه‌ای گاهی اوقات سبب می‌شود تا چه مزخرفاتی به جای خبر و تحلیل منتشر شوند.

با این همه خواننده مصاحبه مطبوعاتی دیروز کی‌روش نشان داد که انگار ماجرا به بی‌سوادی رسانه‌ای ربطی ندارد چرا که سرمربی تیم ملی به‌گونه‌ای از لفظ تحریم تیم ملی توسط نایک و خبرنگارها در کنار هم استفاده کرده که انگار مأموران چوب به‌دست این



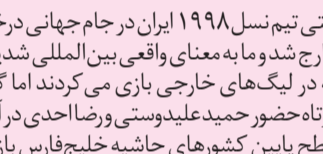
نمی‌تواند با کشور ما قرارداد تبلیغاتی امضا کند و به ما بابت پوشیدن کفش این شرکت و تبلیغ برای آنها پولی بدهد! طبیعی است که نایک کفش ورزشی تولید می‌کند و شما هر جای دنیا که بخواهید می‌توانید این

کفش‌ها را پای‌تان کنید. ضمن اینکه شرکت نایک این اختیار حقوقی را ندارد که مانع از استفاده بازیکنان ایران از این کفش شود! این‌طور هم نیست که ناظر فیفا بیاید و بگوید که بازیکن شماره سه ایران باید کفشش را عوض کند چون از برند ممنوعه استفاده کرده! دو هفته قبل این را نوشتیم تا اثبات کنیم که

کمی تأمل لطفاً

ولع تمام نشدن برای لژیونر شدن

وقتی تیم نسل ۱۹۹۸ ایران در جام جهانی درخشید، فوتبال ما از خودبسندگی دیرینه‌اش خارج شد و ما به معنای واقعی بین‌المللی شدیم. بیشتر و بعد از انقلاب بازیکنانی داشتیم که در لیگ‌های خارجی بازی می‌کردند اما گذرمان کمتر به اروپا افتاده بود. به‌جز دوره کوتاه حضور حمید علی‌دوستی و رضا احدی در آلمان، بقیه لژیونرهای ما عموماً در لیگ‌های سطح پایین کشورهای حاشیه خلیج فارس بازی می‌کردند. ناصر محمدخانی، پنجعلی، درخشان، چنگیز، بیانی، امیرقلعه‌نویی و خیلی‌های دیگر یکی دو سال به این لیگ‌ها پیوستند و اندوخته خوبی هم نصیب‌شان شد. بعد از جام ۹۸ اما تقریباً نیمی از بازیکنان تیم به لیگ‌های اروپایی پیوستند. دلپیش هم درخشش چند ساله بازیکنان در تیم ملی بود. چند سال در اوج بازی کرده بود، از ملت‌های آسیا ۹۶ گرفته تا جام جهانی و حالا تیم‌های اروپایی آماده استفاده این بازیکنان بودند. دایی و باقری به هرتا رفتند، خداداد به کلن، مهدوی کیا به بوخوم و سپس هامبورگ، پاشازاده و یزدانی به لورکوزن، میناوند به اشتروم گرانسی رفت که آن سال‌ها تیم خوبی بود و در لیگ قهرمانان بازی می‌کرد، منصوریان به اسپن پائولی آلمان و خاکپور به لیگ آمریکا. خلاصه اینکه تیم به یک‌باره بین‌المللی شد. سطح فوتبال ما و اساساً این‌ها آن زمان خیلی پایین‌تر از این لیگ‌ها بود و لژیونر شدن، هم به‌لحاظ مالی دستاورد بزرگی بود و هم به‌لحاظ حرفه‌ای. خیلی از باشگاه‌های ما هم به‌لحاظ مالی سود بردند. وقتی هامبورگ قرارداد مهدوی کیا را با پرسپولیس قطعی کرد بیش از نزدیک به یک میلیارد تومان به پرسپولیس دادند، با استقلال با فروش ستاره‌هایش پول خوبی کسب کرد و با آن پول تیم سال‌های بعدش را ساخت. حالا و دو دهه پس از آن روزها معنای لژیونر بودن تغییر کرده و ولع عجیبی برای خارج رفتن شکل گرفته است. برای لژیونر شدن به خودی خود. در تمام ترانسفرهای سال‌های اخیر، عملاً هیچ پولی به باشگاه‌های ما نرسیده است. جالب اینجاست که بازیکنان ما اکثراً راهی تیم‌های درجه سوم و چهارم اروپا می‌شوند، آن هم با قراردادهایی پایین و حتی گاه پایین‌تر از تیم‌های داخلی. در این سال‌ها موفق‌ترین لژیونر ما علیرضا جهانبخش بوده است که از تیم داماش گیلان و توسط امیرعبدینی ترانسفر شد. البته جهانبخش این شانس را داشت که مدیر برنامه‌های مثل امیر هاشمی مقدم دارد. دیگران این سال‌ها چیز خاصی نشان نداده‌اند. بخشی از این ولع لژیونر شدن ناشی از الگوی رفتاری کارلوس کی‌روش در سال‌های اخیر بوده است، الگویی که به‌طور واضح بازیکنان شاغل در لیگ‌های خارجی را به بازیکنان داخلی ترجیح می‌دهد. به‌خاطر این رویکرد بود که خیلی‌ها عطای لیگ داخلی را به لقایش بخشیدند. کاه‌رضایی با پولی کمتر از آنچه در استقلال می‌گرفت روانه شارلوراد شد تا شاید درهای تیم ملی را به روی خود بگشاید، اما نشد. رامین رضاییان در تیم گمنام بلژیکی روزگار خوبی ندارد. سعید عزت‌اللهی خیلی وقت است بازی نکرده است. وضعیت سردار هم چندان مناسب نیست. حالا نورافکن و قلی‌زاده هم راهی شارلوراد شده‌اند، بدون اینکه چیز خاصی به باشگاه‌هایشان برسد یا خودشان به‌لحاظ مالی دستاورد عجیبی داشته باشند. کسی مخالف حضور بازیکنان ایرانی در لیگ‌های اروپایی نیست، اما به‌نظر می‌رسد در روند موجود یک جای کار می‌لنگد. انتخاب‌ها هوشمندانه نیست و باشگاه‌های داخلی نقشی در آن ندارند. نتیجه هم عموماً عملکرد ضعیف این بازیکنان بوده است و باطل شدن تمام آن رویاهایی که در سر می‌پروراندند.



محمد هدایتی روزنامه‌نگار

تیم به لیگ‌های اروپایی پیوستند. دلپیش هم درخشش چند ساله بازیکنان در تیم ملی بود. چند سال در اوج بازی کرده بود، از ملت‌های آسیا ۹۶ گرفته تا جام جهانی و حالا تیم‌های اروپایی آماده استفاده این بازیکنان بودند. دایی و باقری به هرتا رفتند، خداداد به کلن، مهدوی کیا به بوخوم و سپس هامبورگ، پاشازاده و یزدانی به لورکوزن، میناوند به اشتروم گرانسی رفت که آن سال‌ها تیم خوبی بود و در لیگ قهرمانان بازی می‌کرد، منصوریان به اسپن پائولی آلمان و خاکپور به لیگ آمریکا. خلاصه اینکه تیم به یک‌باره بین‌المللی شد. سطح فوتبال ما و اساساً این‌ها آن زمان خیلی پایین‌تر از این لیگ‌ها بود و لژیونر شدن، هم به‌لحاظ مالی دستاورد بزرگی بود و هم به‌لحاظ حرفه‌ای. خیلی از باشگاه‌های ما هم به‌لحاظ مالی سود بردند. وقتی هامبورگ قرارداد مهدوی کیا را با پرسپولیس قطعی کرد بیش از نزدیک به یک میلیارد تومان به پرسپولیس دادند، با استقلال با فروش ستاره‌هایش پول خوبی کسب کرد و با آن پول تیم سال‌های بعدش را ساخت. حالا و دو دهه پس از آن روزها معنای لژیونر بودن تغییر کرده و ولع عجیبی برای خارج رفتن شکل گرفته است. برای لژیونر شدن به خودی خود. در تمام ترانسفرهای سال‌های اخیر، عملاً هیچ پولی به باشگاه‌های ما نرسیده است. جالب اینجاست که بازیکنان ما اکثراً راهی تیم‌های درجه سوم و چهارم اروپا می‌شوند، آن هم با قراردادهایی پایین و حتی گاه پایین‌تر از تیم‌های داخلی. در این سال‌ها موفق‌ترین لژیونر ما علیرضا جهانبخش بوده است که از تیم داماش گیلان و توسط امیرعبدینی ترانسفر شد. البته جهانبخش این شانس را داشت که مدیر برنامه‌های مثل امیر هاشمی مقدم دارد. دیگران این سال‌ها چیز خاصی نشان نداده‌اند. بخشی از این ولع لژیونر شدن ناشی از الگوی رفتاری کارلوس کی‌روش در سال‌های اخیر بوده است، الگویی که به‌طور واضح بازیکنان شاغل در لیگ‌های خارجی را به بازیکنان داخلی ترجیح می‌دهد. به‌خاطر این رویکرد بود که خیلی‌ها عطای لیگ داخلی را به لقایش بخشیدند. کاه‌رضایی با پولی کمتر از آنچه در استقلال می‌گرفت روانه شارلوراد شد تا شاید درهای تیم ملی را به روی خود بگشاید، اما نشد. رامین رضاییان در تیم گمنام بلژیکی روزگار خوبی ندارد. سعید عزت‌اللهی خیلی وقت است بازی نکرده است. وضعیت سردار هم چندان مناسب نیست. حالا نورافکن و قلی‌زاده هم راهی شارلوراد شده‌اند، بدون اینکه چیز خاصی به باشگاه‌هایشان برسد یا خودشان به‌لحاظ مالی دستاورد عجیبی داشته باشند. کسی مخالف حضور بازیکنان ایرانی در لیگ‌های اروپایی نیست، اما به‌نظر می‌رسد در روند موجود یک جای کار می‌لنگد. انتخاب‌ها هوشمندانه نیست و باشگاه‌های داخلی نقشی در آن ندارند. نتیجه هم عموماً عملکرد ضعیف این بازیکنان بوده است و باطل شدن تمام آن رویاهایی که در سر می‌پروراندند.



اسمش را بگذارید مشکل سواد رسانه‌ای! همان چیزی که چند روز پیش هم نوشتیم و حالا ناچاریم تکرارش کنیم تا مشخص شود که وقتی از فریبکاری و زرنگی و پروپاگاندا کی‌روش کی‌روش صحبت می‌کنیم، منظورمان چیست!

چند روز پیش خبر آمد که نایک تولیدکننده حرفه‌ای پوشاک و تجهیزات ورزشی، ایران را تحریم کرده و بازیکنان تیم ملی ایران حق ندارند در جام جهانی روسیه کفش‌های این برند را تهیه کنند! منبع خبر هم یک روزنامه پرفروش و معروف آمریکایی بود که مطلبی در این مورد نوشته بود.

این وسط مشخص شد که سهواً یا عمد در ترجمه مطلب اشتباهی صورت گرفته، اینکه نایک ایران را تحریم نکرده بلکه نایک به دلیل تحریم ایران

کیوسک

گانتزتا دلو اسپورت

میثا موسوی‌روزو

مانوریتو، سفاری طلایی / تمدید قرارداد با دستمزد ۳/۶ میلیونی به علاوه پاداش‌های زیاد / پرین در بوئونوس / نه گفتن غیر ممکن بود / مسترلی و ۲۱ روز زمان برای یافتن شریک / آخرین آزمون اسپانیا برای جام جهانی.



کوریره دلو اسپورت

روایهای دشوار / پوکبا و میلیونکویچ اهداف یونونس؛ از توهم تا واقعیت / میلان تویک دوست خواهی داشت /

میثا بهتر از ونسورا؛ زنان آتزووری به جام جهانی رفتند / تصمیم بارسلونا برای جذب مدافع جوان فرانسوی.



توتو اسپورت

آنها مذاکره می‌کنند / فالکائو مهاجم خوبی برای میلان است / اینتر به دنبال پیکینی برای دفاع راست / کلایورت و براردی، زوج در رم / نیمار درخواست جدایی از پاری سن‌ژرمن را نخواهد داد / فرضیه فروش سیلسن رد نمی‌شود.

